

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۵

مصادف با: ۱۸ رجب ۱۴۳۷

جلسه: ۱۳

موضوع کلی: قاعده اقرار العقلاء

موضوع جزئی: فروع قاعده اقرار (فرع اول و فرع دوم)

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از فروع قاعده اقرار گفتیم بعضی از فروع محل وفاق است و اختلافی در مصداقیت آنها برای قاعده اقرار نیست، لکن برخی از موارد محل اختلاف است. حال در بحث تطبیقات و بیان فروع این قاعده بنا نداریم وارد فروع متعدد این قاعده شویم چه که این فروع در کتاب الاقرار تفصیلاً بیان شده است.

فروع اختلافی قاعده اقرار

بعضی از فروع که محل اختلاف است را متعرض می‌شویم و بحث از آنها هم خالی از فایده نیست، از جمله این فرع: اگر مدعی بصورت سوالی از مخاطب خویش این پرسش را مطرح کند که: آیا تو به من فلان مبلغ را مدیون نیستی؟ هم بصورت سوالی مطرح شده و هم بصورت منفی بکار رفته است «ألست لی مدیوناً بكذا»، و شخص در پاسخ بگوید: (نعم) اینجا مورد اختلاف واقع شده که آیا (نعم) اقرار محسوب می‌شود یا نه؟

در اینکه در پاسخ به این سوال بگوید: (بلی) این اقرار است، اختلاف نیست، چون (بلی) حرف جواب است و مختص نفی است و وقتی در پی جمله منفی می‌آید آن را ابطال می‌کند پس اگر در پاسخ به «ألست مدیون لی بكذا» بگوید: (بلی)، این اقرار است، به عبارت دیگر مفاد (بلی) تصدیق منفی است، نه نفی، ابطال نفی می‌کند ولی تصدیق منفی است، پس در این اختلافی نیست که اگر این جمله را با (بلی) پاسخ دهد این اقرار است، اما در مورد (نعم) اختلاف است، بعضی آن را اقرار می‌دانند و بعضی اقرار نمی‌دانند.

قول اول

در مورد (نعم) گفته شده: (نعم) تصدیق جمله قبلی است، چه نفی باشد چه اثبات، در مورد (نعم) گفته اند: اگر معنای (نعم) این باشد که «لست مدیوناً لک بكذا» این اقرار نیست، چون تصدیق می‌کند جمله ای که پس از آن وارد شده است، حال اگر نفی باشد تصدیق نفی می‌کند و اگر اثبات بود تصدیق اثبات می‌کند.

شاهد بر این مطلب اینکه ابن هشام در مغنی از ابن عباس نقل می‌کند که در آیه «ألست برکم» اگر در پاسخ به این سوال می‌گفتند (نعم) کافر می‌شدند، چون (نعم) تصدیق جمله قبل خود می‌باشد، یعنی بله شما پروردگار ما نیستی، مفاد (نعم) در اینجا در واقع نفی ربوبیت پروردگار متعال است، به همین جهت بجای آن گفتند: «قالو (بلی)»، (بلی)، یعنی

تصدیق منفی کرده اند نه تصدیق نفی، نفی را ابطال کردند و ما بعد آن را تصدیق کردند، «قالو (بلی)، آی: أنت ربنا» پس این نشان می‌دهد (نعم) اگر در پاسخ به جمله «ألسنت مدیوناً لی بكذا» استعمال شود این اقرار نیست.

قول دوم

صاحب جواهر و عده ای از جمله صاحب مسالک این را اقرار می‌دانند، حتی صاحب مسالک تصریح می‌کند که این یک اقرار قوی است، علت اینکه این را اقرار می‌دانند این است که می‌گویند: (نعم) به دو معنا استعمال شده است؛ هم تصدیق نفی و هم تصدیق منفی، صاحب جواهر یک مثالی را هم به عنوان شاهد بر اینکه در بعضی موارد (نعم) در معنای تصدیق نفی بکار می‌رود نه منفی، ذکر کرده‌اند.^۱

پس ندر مجموع در اینجا دو قول وجود دارد، بعضی قائل شده اند به اینکه (نعم) اقرار است، بعضی ملتزم به این هستند که (نعم) اقرار نیست.

سوال: این چگونه اقرار است.

استاد: بحث اقرار نیست، اگر می‌گوید (نعم) به هر دو معنا وارد شده است، منظور ایشان این است که (نعم) همه جا برای ابطال نفی نیست، بلکه بعضی مواقع برای ابطال نفی است و بعضی مواقع خیر، یعنی دو معنا دارد و بسته به موقعیت‌ها متفاوت است، آنها که می‌گویند اقرار نیست، در واقع مقصودشان این است که (نعم) همه جا به این معنا بکار می‌رود، یعنی تصدیق ما قبل، چه نفی و چه اثبات، ولی (بلی) برای تصدیق منفی است، اما آنها که این را اقرار می‌دانند می‌گویند (نعم) به دو معنا بکار می‌رود، گاهی همان مفاد (بلی) را می‌رساند و گاهی تصدیق نفی می‌کند نه منفی.

سوال: آیا صرف استعمال در این معنا برای این استظهار کافی است؟ یعنی صرف اینکه (نعم) در هر دو معنا بکار رود کافی است برای اینکه ما این را اقرار بدانیم؟

پاسخ: بله، اگر کسی بگوید که (نعم) فقط در آن معنا بکار می‌رود قهراً نمی‌تواند ملتزم به این شود که (نعم) اقرار است، یعنی کسی ملتزم شود به اینکه (نعم) تصدیق منفی است نه نفی، در اینجا دیگر قهراً جایی ندارد که ما این را اقرار حساب کنیم.

حق در مسئله

اینکه (نعم) دو وجه دارد، صحیح است و ما هم قبول داریم، ولی بحث این است که صرف اینکه در دو وجه استعمال می‌شود آیا کفایت می‌کند برای اینکه ما این را اقرار بدانیم؟

اگر واقعاً بخواهیم بین این دو نظر داوری و ارزیابی کنیم، نهایت چیزی که از سخنان صاحب جواهر و شهید ثانی استفاده می‌شود این است که، (نعم) گاهی در معنایی که (بلی) بر آن دلالت می‌کند استعمال می‌شود، ما هم می‌پذیریم که

^۱ . جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۸۴.

معنای نعم منحصر در آن معنای گفته شده نمی‌باشد، اما آیا صرف استعمال در این معنا کفایت می‌کند برای اینکه ما (نعم) را اقرار بدانیم؟ ظاهر این است که خیر.

بنابر این باید به ظهور عرفی کلام مراجعه کنیم، نه می‌توانیم بگوییم (نعم) در همه جا اقرار است و نه می‌توانیم بگوییم (نعم) اقرار نمی‌باشد، این تابع ظهور عرفی می‌باشد، یعنی در جایی ممکن است (نعم) در آن معنای اول استعمال شده باشد که در این صورت اقرار نیست، در جای دیگر ممکن است (نعم) در آن معنای دوم استعمال شده باشد که در این صورت قهراً (نعم) اقرار است، پس به نحو مطلق نمی‌توانیم بگوییم (نعم) در همه جا اقرار است یا اقرار نیست و این تابع ظهور عرفی کلام است.

در صورتی که مدعی در کار باشد و این سوال را مدعی بپرسد این قرینیت قابل قبول است که بگوییم در این موارد (نعم) اقرار است چون وقتی مدعی سوال را مطرح می‌کند، این سوال او در واقع پرسش نیست، بلکه می‌خواهد از مخاطب اقرار بگیرد. پس مقام او یک قرینه محکمی است مبنی بر اینکه می‌خواهد از طرف اقرار بگیرد و لذا وقتی مخاطب با (نعم) جواب می‌دهد این اقرار محسوب می‌شود و وجه این که شهید هم آن را اقرار قوی دانسته همین است که این مقام اقتضا می‌کند که این نوع اقرار از اقرار با یک کلام معمولی قوی تر است. ولی اگر این سوال را کسی مطرح کند که مدعی نیست، آنجا دیگر این قرینیت مشکوک است و لذا نمی‌توانیم بگوییم «اقرار قوی»، (نعم) که می‌گوید دیگر اقرار قوی محسوب نمی‌شود.

حال اگر سوال در کلام به صورت مثبت مطرح شود، یعنی بگوید: «لی علیک درهم؟» آیا من یک درهم از تو طلب دارم؟ نمی‌گوید: آیا تو به من بدهکار نیستی؟ بلکه بصورت مثبت می‌گوید: تو یک درهم به من بدهکار هستی؟ اگر سوال بصورت مثبت مطرح شد و پاسخ (نعم) بود، این اقرار می‌باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد این اقرار است، حتی اگر ما در مورد (نعم) به دو معنا هم قائل نشویم. چون (نعم) حرف تصدیق و جواب است، اگر بصورت مثبت بگوید: «هل علیک دین لی»، وقتی (نعم) در پاسخ گفته می‌شود، حرف تصدیق و جواب است و تایید می‌کند این را و لذا قطعاً اقرار است.

پس در حقیقت نتیجه ای که می‌توانیم در اینجا بگیریم این است که بطور کلی برای اینکه یک کلامی اقرار محسوب شود باید به ظهور عرفی آن نگاه کنیم، حتی ممکن است در آن کلمات از واژه‌هایی استفاده شده باشد که آن واژه‌ها بخصوص این معنا را نمی‌رساند یا چند معنا دارند اما ظهور آن در این معنا باشد.

بحث جلسه آینده

چند فرع دیگر هم می‌باشد که محل اختلاف است، و بحث اکراه بر اقرار که آیا این اقرارها طبق موازین شرعی نافذ است یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»